

مردم

رئیس مرکزی حزب توده ایران

حکومت مستبد شاه در مقابله با جنبش ضد استبدادی مردم ایران علاوه بر اسلحه گرم و سرد از وسائل دیگری نیز استفاده میکند. در شمار این توطئهها سکوت و کتمان اخبار، مقام اول را دارد. رژیم در درجه اول تا آنجا که بتواند از پخش اخبار مربوط به مقاومت ضد استبدادی مردم ایران جلو گیری میکند و میخواهد مدعی شود که بقول معروف «بر سر این قوم خاک مرده پاشیدهاند» و ایرات «گورستان سکوت» و «جزیره

شاه در توطئه امپریالیسم در منطقه

بنا بر این شگفت انگیز نیست که شاه طی ماههای اخیر برای اجرای استراتژی امپریالیسم در جهت تفرقه افکنی بین نیروهای اعراب و ایجاد شکاف در جبهه آنان به فعالیت گسترده ای دست زده است. مسائل خاور نزدیک یکی از مهمترین موضوع های مذاکره شاه و کارتر در واشنگتن و تهران بوده است. اقدامات شاه در دنباله این مذاکرات نشان میدهد که واشنگتن - تل آویو - تهران طبق طرح واحدی و در ارتباط نزدیک با یکدیگر عمل میکنند. بین پیشنهاد های بگین، گفته های کارتر و اقدامات شاه هم آهنگی آشکار چشم میخورد.

شاه بد ستور کارتر ملک حسین را به تهران دعوت نمود. تا مشترکاً او را به پشتیبانی از بگین وسادات تشویق کنند. کارتر در مصاحبه خود با تلویزیون آمریکا صراحتاً این مطلب را اظهار داشت. در همانروز نوشته روزنامه های غربی موشه دایان وزیر امور خارجه اسرائیل مخفیانه به تهران پرواز نمود. تا نظر دولت اسرائیل را در مورد طرح «صلح» بگین و جدونی که اسرائیل آماده است به اردن «گشت» کند با اطلاع توطئه گرانی که در تهران گرد آمده بودند برساند (هرچند حکومت شاه بعداً این خبر را تکذیب نمود، اما هیچ کس تکذیب حکومتی را که پروائی از دروغگوئی ندارد چلی تلقی نمود).

دیپلوماسی آمریکا بی دلیل ملک حسین پاد شاه اردن را بعنوان نخستین طعمه برای پشتیبانی از سادات و بگین انتخاب و به تهران دعوت نکرده بود. روابط «برادرانه» اش با شاه نوید میداد که او را آسانتر بتوان بجدائی از سایر کشورهای عربی «مقتاعد» ساخت. اما ملک حسین با تمام وابستگی های خود با امپریالیسم روسنید ترزاز شاه خائن ایران از اجلاس «سرات سه دولت» بیرون آمد و پیشنهاد کارتر و شاه

حوادثی که امروز در خاور نزدیک و میانه «د» مستقیماً در سرنوشت میهن ما و آینده آن نبردی که اکنون بین نیروهای مترقی دنیایی یکسو، امپریالیسم آمریکا و اسرائیل از سوی گرفته است. برای تمام کشورهای این منطقه نوبت ساز دارد. پیروزی امپریالیسم آمریکا و رالیابی آن خراب نبرد، خاور نزدیک و میانه را پیش بدالتره نفوذ امپریالیسم میکشاند و بازم بیشتر شته یوغ بردگی نو استعماری ایالات متحده کشورهای امپریالیستی را بگردن آنان مینهد.

امپریالیستها بمنطقه خاور نزدیک و میانه بدلایل اقتصادی اهمیت خاصی میدهند و تمام کوشش برای تسلط بر کشورهای این منطقه رکار میبرند. پشتیبانی نامحدود امپریالیستهای امریکائی از اسرائیل و تا دنبال میکند و آن باز گرداندن آب رفته

پروالیسم در این منطقه حساس جهان است. در نظر امپریالیستهای امریکائی اسرائیل شمشیری که باید دائماً در بالای سر کشورهای خاور نزدیک آویزان باشد تا بفکر سرپیچی از تمایلات امپریالیسم آمریکا نیفتند. دیپلوماسی آمریکا تمام سلاحتی را که در زراد خانه یوش ذخیره دارد، برای تأمین این مقصود آورده است. از یکسو رئیس جمهور آمریکا ابانی پر از وعد و وعید به این منطقه شده است. تا برای تقویت محور قاهره -

خانان دیگری چون سادات در میان سران عرب از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا از تراجاع عرب سرسپرده و خود فروخته ای مانند شاه ایران شکستن مقاومت نیروهای مترقی دنیایی عرب برانگیخته است. اسرائیل از تراجاع عرب وشاه بهیبه واحدی بر ضد نیروهای مترقی دنیایی عرب داده و هر یک در سناریوی دیپلوماسی واشنگتن صمی بپنجه گرفته اند.

رژیم توسعه روابط اقتصادی و همکاریهای فنی ایران و شوروی

در اواخر آذر ماه هفتمین اجلاس کمیسیون همکاری اقتصادی ایران و شوروی، در مسکو به کار در داد. در جلسه نهائی این کمیسیون پروتکلی ادامه و بسط همکاریهای اقتصادی و فنی دو کشور لهای آینده به تصویب رسید که از طرف ایران گمانه وزیر اقتصاد و بازرگانی ایران و از جانب روی اسکاچکوف رئیس کمیته دولتی شورای وزیران روی مربوط به همکاری اقتصادی با کشورهای آزا امضاء کردند.

در جلسه نهائی کمیسیون دائمی همکاری اقتصادی شوروی که این پروتکل به امضاء رسید، طرفین شوروی خرسندی خود را از موفقیتهایی که در همکاری های اقتصادی و فنی و مبادلات بازرگانی و کشور بست آمده ابراز داشتند. مواد این که برای ادامه و بسط این همکاریها در سالهای تصویب رسیده، نمودار همکاریهای فنی و اقتصادی شوروی در آن زمینه هائیکه که به تقویت اقتصاد ملی و ثبات توازن بازرگانی ایران میکند.

روابط اقتصادی و همکاریهای فنی اتحاد شوروی های سرمایه داری مبتنی بر اصول سیاست مسالمت آمیز میان کشورهای دارای نظامهای متفاوت است که برابری حقوق و نفع متقابل با توجه به تقویت اقتصاد مستقل ملی و گسترش

و رشد نیروهای مولد در آن منظور میگردد. مواد پروتکل هفتمین اجلاس کمیسیون دائمی همکاری اقتصادی ایران و شوروی که در مسکو به امضاء رسید بر همین زمینه و با تشویب چنین هدفهای تهیه و تدوین گردیده و ادامه و گسترش همکاریهای اقتصادی و فنی دو کشور را در رشته های مهم اقتصادی و صنعتی مانند قوب آهن، ماشین سازی، ساختمان نیروگاههای تولید برق، سد و راه آهن پیش بینی میکند. بطوریکه در پروتکل پیش بینی شده ظرفیت تولیدی کارخانه ذوب آهن تا میزان ۶ میلیون تن در سال افزایش خواهد یافت و همروند با آن پایگاههای منابع مواد اولیه و ذغال سنگ مربوط به آن توسعه خواهد پذیرفت. در اجلاس سالیانه کمیسیون همکاری سازمانهای ایران و شوروی در مورد تأسیس یک مجتمع صنعتی مرکب از کارخانه های ریخته گری، آهنگری، ماشینکاری و کارخانه تولید ماشین آلات استخراج معادن، بررسی و مورد توافق واقع گردید. این مجتمع با همکاری فنی اتحاد شوروی در ایران ساخته خواهد شد و هزینه های آن از محل صدور نفت یا گاز ایران به اتحاد شوروی تأمین خواهد شد. طبق توافق طرفین اتحاد شوروی اعتباری به مبلغ ۲۳۰ میلیون روبل برای سالهای ۱۹۷۸ تا ۱۹۸۰ جهت پرداخت هزینه های سازمانهای مربوط شوروی به ایران واگذار میکند. طبق مواد پروتکل دنباله در صفحه ۲

شیوه های مقابله رژیم دیکتاتوری با مبارزات مردم ایران

«موجودیت کشور را بر هم میزنند، سرکوب نمود. ولی مردم سوال میکنند: اگر ۱۷ نفر، میتوانند اکثریت مطلق دانشجویان را «گمراه» نموده بسوی خود جلب کنند، پس چرا محمد رضا شاه نمیتواند با هزاران مأمور این همه پول و وسائل دانشجویان را به تحمل شیوه استبدادی او دارد؟ در واقع در این مبارزه کسی کسی را جلب نکرده، نفرت علیه استبداد است که مردم را مجذوب خود ساخته است.

آنگاه که تیر تحریف به سنگ میخورد، تهدید آغاز میگردد. جناح پیشرو و رسانخیز از زبان مجیدی میگوید: باید «پسرخ شتمند» را چه سرخ و چه سیاه داده و انصاری از جناح «سازنده» عوامفریبی های «قضای سیاسی تازه» را کنار گذاشته، مدعی میشود فلاکتی که مردم زیر یوغ استبداد با

ثبات است» و هنگامیکه مبارزه مردم رژیم را بشکستن توطئه سکوت و امیدارد، جز تحریف و تهدید و تحریک کلمه های واقیعت از رسانه هایش پخش نمیشود.

رژیم میکوشد چنین وانمود سازد که اولاً - مخالفان دیکتاتوری نه توده های عظیم مردم، بلکه فقط «عده انگشت شماری دانشجویانراحت» و «عمال بیگانه» هستند که (مثلاً در مدرسه عالی کامپیوتر) تعداد آنها از ۱۷ نفر تجاوز نمیکند و ثانیاً - علت «اختشاشات» در نفرت مردم علیه استبداد، بلکه «ضعف جامعه دانشگاهی» است که نمیتواند «محرک خارجی» را خنثی سازد، و خواست این «آشوبگران» هم نه مسئله حیاتی و بنیادی مانند برکناری استبداد و استقرار دموکراسی، بلکه امر «ساده و بیش یا افتاده» است. از قبیل «اصلاح نحوه آموزشی» و «ولدا» باید این «چند نفر محرک» را که ببهانه ای چنین جزئی

رژیم به دریافت وامهای زیانبار ادامه میدهد

شرکت ملی پتروشیمی دریافت خواهد کرد حدود ۹ درصد است!

کشور های امپریالیستی وام و اعتبار را فقط به شرط خرید کالا از کشور وام دهنده پرداخت میکنند و این کالاها معمولاً ۲۰ درصد گرانتر از قیمت های بین المللی فروخته میشود (مطابق اعلام «کمسیون پیرسون» که از جانب بانک جهانی مأمور بررسی این موضوع بود):

اصل و بهره وامها باید به ارز خارجی پرداخت شود!

اعطای وام و اعتبار در موارد بسیار با سرمایه گذاری مستقیم همراه است!

واگذاری وام با تحمیل رشته های مورد نظر کشور های وام دهنده توأم است!

دادن وام به بررسی و تصویب برنامه های کشور وام گیرنده مشروط میشود، که با حق حاکمیت و استقلال کشور وام گیرنده مغایرت دارد!

وامها و اعتبارات کشورهای امپریالیستی با تحمیل شرایط سیاسی معینی همراه است.

تمام اینها باعث وابستگی های مالی، فنی، اقتصادی و سیاسی کشورهای وام گیرنده میشود. مصاحبه ای که مجله «نیوزویک» در سال ۱۳۵۳ با رابرت مک نامارا، رئیس بانک جهانی انجام داد

بطوریکه در مطبوعات ایران منعکس شد دولت در نظر دارد وامهای تازه ای به مبلغ ۹۰۰ میلیون دلار از بازارهای بین المللی دریافت کند. این وامها پس از تأیید شرایط آن توسط «کمیته اخذ وامهای خارجی»، که از نمایندگان وزارت اقتصاد و دارائی سازمان برنامه و بودجه و بانک مرکزی تشکیل شده بوسیله مؤسسات مربوطه (شرکت مخابرات ایران، شرکت ملی پتروشیمی ایران، بانک اعتبارات صنعتی و بانک توسعه کشاورزی) اخذ خواهد شد.

ما پاره مخالفت خود را با اخذ وام و اعتبار از کشورهای امپریالیستی به علت عواقب اقتصادی و سیاسی زیانبار ناشی از شرایط واگذاری آنها اعلام کرده ایم و در اینجا به برخی از آنها اشاره میکنیم:

به وامها و اعتبارات کشورهای امپریالیستی بهرزه زیاد تعلق میگیرد (مثلاً نرخ بهره وامی که

ما گلوله باران مردم در قم را بشنت محکوم میکنیم

در تظاهرات وسیعی که اخیراً در شهر قم از سوی مبارزات ضد رژیم انجام شد جلادان مسلح شاه وحشیانه مردم را آماج رگبار گلوله قرار دادند. در نتیجه بنا به اطلاع خبرگزاری ها و مطبوعات خارجی ۱۰۰ نفر از هم میهنان مبارز ما کشته، ۵۰۰ نفر مجروح و ۱۴۰۰ نفر بازداشت شده اند. گلوله باران نمایشهای مسالمت آمیز مردم نشانه ضعف و ترس رژیم است. نشانه آن است که سیاست خدعه گرانه عدم دخالت صوری نیروهای انتظامی و انداختن چماق بدست های سلاوک بجان مبارزان هم، دردی از رژیم هوا نکرد و رژیم متفرد از مردم مجدداً به شیوه قتل و کشتار جمعی بازگشته است.

ما بشنت جنایت تازه رژیم را محکوم میکنیم. مردم دلاور ایران برای احیاء دموکراسی و قانون اساسی به مبارزه خود همچنان ادامه خواهند داد.

فرود پرشور بر مبارزان دلیر میهن ما! پیروز باد مبارزه خستگی یکنارجوی ایران! سرنگون باد رژیم ترور و اختناق!

خصلت و ماهیت وامهای کشورهای امپریالیستی را بخوبی آشکار میسازد. مک نامارا در پاسخ این سوال که وامهای این بانک چه تأثیری در پیشرفت اقتصادی کشورهای در حال رشد و پر کردن شکاف میان کشورهای فقیر و غنی داشته است، بصراحت گفت: «ما هیچ کاری برای پر کردن این شکاف نمیتوانیم بکنیم» حتی برای کاهش این فاصله هم کاری از دستمان برنمیآید، راستش این وظیفه مانیست! اما فرورد جنبه های سیاسی این وامها، خود مجله در مقدمه ای که بر این مصاحبه اضافه کرده، پس از اشاره باینکه به درخواست وام عده ای از کشورهای غربی داده شده، میگوید: «معلوم شده که اگر با آنها موافقت میشد، منافع آمریکا بخطر میافتاد و یا از بین میرفت».

عواقب زیانبخش وامهای کشورهای امپریالیستی چنان عیان است، که حتی «تهران اکونومیست» بارها مخالفت خود را با آن اعلام کرده است. چنانکه این مجله در اسفند سال ۱۳۵۲ نوشت: «همانطوریکه در سالهای گذشته که در آمد نفت ماکم بود، اظهار نظر کردیم، اصولاً با اخذ این قبیل وامها موافق نیستیم، خاصه آنکه با یک سیاست صحیح پولی و ارزی میتوانیم از اخذ وامهای خارجی بی نیاز شویم» و این قبیل وامها «برای یک کشور بی نیاز از ارز خارجی، وام مثبت و مفیدی نیست». «تهران اکونومیست» زمانی این را مینوشت که درآمد ایران از نفت کمتر از ۵ میلیارد دلار بود، ولی اکنون این درآمد به بیش از ۲۳ میلیارد دلار رسیده است.

نقش شاه در توطئه امپریالیسم

را در مورد تأیید اقدامات سادات «عجالتاً» پذیرفت. سپس شاه با قاهره و ریاض سفر نمود تا این دو قطب مرتجع را بهمکاری با یکدیگر دعوت کند. اما شاه از این سفر دلال مابانه نیز سودی حاصل نمود. عربستان سعودی در مواضع سابق خود باقی ماند.

نتایج نخستین مرحله تعرض دیپلماتیک امریکا در خاور نزدیک که با صتیاری اسرائیل و شاه ایران انجام گرفت نشان میدهد که این تعرض با شکست مواجه شده، سادات در دنیای عرب متفرد و شاه بعنوان عامل امپریالیسم رسوا گردیده است. تبلیغات رژیم میکوشد این نقش کیفی شاه را کوششی برای حفظ صلح در منطقه‌ای که کشور هلی آف بیش از هر چیز صلح نیاز دارند، وانمود کند. روزنامه‌های زبان بسته و سانسور زده تهران دانشجویان میهن پرستی را که بر ضد سیاست تسلیم طلبانه سادات تظاهر کرده‌اند، عامل اجنبی نامیده می‌تواند کلام اناسف کند؟ است که بتواند سیاست صلح‌جویی صلح مخالفت کند؟ بحقیقت «صلح‌دوستی» شاه هنگامی میتوان بخوبی پی برد که بتلاش او برای تحریک جنگ برادر کشی در شاخ افریقا نظر افکنیم. شاه کشور های عربی را بتسلیم در برابر تجاوز مسلم اسرائیل دعوت می نماید و از تجاوز سومالی که ارتشش دهها کیلومتر در خاک حبشه پیش رفته است پشتیبانی میکند. سفرش بعراق بنوشته تایمز لندن برای مذاکره در باره ارسال اسلحه بسومالی بوده است.

موضوع رفع «ابهام کتونی» شاخ افریقا چنانکه روزنامه اطلاعات مینویسد یکی از مهمترین مسائل مذاکرات شاه و کارتر در تهران تشکیل میداده است. اطلاعات مینویسد شاه پیام «زیاد باره» را با پرزیدنت کارتر در میان خواهد نهاد و بالتبیین پیام رهبر سومالی برای پرزیدنت کارتر با مساعلت شاهنشاه، موضع امریکا در قبال بحران شاخ افریقا نیز با احتمال قوی تا حدود قابل توجهی از ابهام کتونی رسیده‌اند که دیدار مهم رهبران ایران و امریکا، این نکته حساس را در تهران روشن خواهد ساخت. اطلاعاتی مافزاید: دو کشور (امریکا و ایران) بیش از هر زمان دارای عواملی هستند که آنها را یکدیگر نزدیک میکند. در درستی این گفته چلی تردید نیست. اما این عوامل چیستند؟

چه چیز شاه ایران را بر نزدیکی و یا بهتر بگوئیم به تمکین مطلق در برابر امپریالیسم امریکا و امیدارد و چه چیز امپریالیسم امریکا را که با همه ناکامیهای گذشته اش هنوز لاف قدر قدرتی و سیادت جهانی میزند وادار میکند که کارتر را باین دوره گری بفرستد. شاه و امپریالیسم امریکا امروز بیش از هر زمان دیگر بهم محتاجند. امپریالیسم امریکا بیکدی از بحرانی ترین ادوار تاریخ خود گام می‌نهد. میلیونها بیکار، ۳۰ میلیارد دلار کسر موازنه بازرگانی، تورم روز افزون، کاهش پی در پی قیمت دلار، بحران انرژی، فشار رقابت فزاینده ژاپن و آلمان قدرال، مبارزه کشورهای «دنیای سوم» برای برقراری تعادل قیمت مواد خام و کالاهای صنعتی، امپریالیسم امریکارا در چنان تنگنای اقتصادی، اجتماعی و سیاسی قرار داده است که دیگر نمیتواند به سیاست‌های ماجراجویانه‌ای نظیر جنگ ویتنام مستو بزند و ناگزیر است که بگفته بژوئیسکی یکی از ستونهای حکومت کارتر «سیاست خارجی و سم‌تری که پاسخگوی تغییرات کتونی جهان و تحولات آن باشد» در پیش گیرد. ضعف امپریالیسم امریکا آنرا به استفاده و سیمتر از «دوستان» و فداش را وادار کرده است.

شاه ایران و رژیم ساخته‌او نیز امروز با دشواری بسیاری، بخصوص در زمینه سیاست داخلی و روبرو هستند. مبارزه مردم ایران در راه استقرار آزادیهای دموکراتیک با مرحله تازه‌ای گذارده است. بیخسکوت آهسته آهسته میشکند.

خفهای کشورهای همسایه نیز از سیاست شاه که ایران را بانبار سلاحهای امریکائی تبدیل کرده و آسایش آنرا بخاطر افکنده است ناراضی هستند، شاه میخواهد در ازای خویش خدمتی هایش بامپریالیسم امریکا بیش از پیش پشتیبانی آنرا کند. سیاست ضد ملی و ضد دموکراتیک خود جلب کند. حکومتی که میان خلق خود باینگامی ندارد سزاگیز به نیروهای خارجی متوسل میگردد. تقویر بشاه و شاهبامپریالیسم امریکا تکیه میکند. اما این را نیز تجربه تاریخ به

در باره توسعه روابط اقتصادی

در نظر گرفته شده است که از امکانات کارخانه‌اشین سازی اراک با همکاری فنی و شرکت کارشناسان شوروی طرحهای صنعتی جدیدی در ایران اجرا گردد. موضوع همکاری دو کشور در احداث قسمت شمالی خط قوم شاه اوله گلز از مسائلی بود که در اجلاس کمیسیون موارد بررسی قرار گرفت.

در اجلاس سیالانه کمیسیون همکاری اقتصادی ایران و شوروی مسئله احداث نیروگاه حرارتی رامین در اهواز و ساختمان یک نیروگاه حرارتی در اصفهان به ظرفیت ۸۰۰ هزار کیلووات که مذاکرات فنی آن پزودی به انجام خواهد رسید، مورد بررسی قرار گرفت. این نیروگاهها از طرف سازمانهای شوروی احداث خواهد شد. چنانکه در پروتکل ذکر شده است طرف شوروی آمادگی خود را برای همکاری و کمک فنی در ساختمان سایر طرحهای صنعت نیرو در ایران مجدداً تأیید نمود و بر همین زمینه در مورد اتصال شبکه های برق دو کشور و تبادل انرژی برق مذاکراتی بعمل آمد که طرف شوروی آمادگی خود را برای اعزام گروه کارشناسان نیروی برق شوروی جهت مطالعه این طرح در نیمه اول سال ۱۹۷۸ به ایران اعلام نمود.

استفاده از منابع آبهای مرزی واحداث سد از مسائلی بود که در اجلاس کمیسیون همکاری اقتصادی مورد بررسی قرار گرفت. طرفین رضایت خود را از اجرائی مفاد قرارداد مربوط به تهیه طرح‌های و نقشه‌های اجرائی سد مخزن «خدا آفرین» و مطالعات فنی و اقتصادی و تهیه طرح نهائی سد «تولامه» بر روی رود ارس ابراز داشتند و در مورد اتخاذ تدابیر لازم جهت اجرائی بموقع کارهای طراحی سد مذکور به توافق رسیدند. در مورد بهره برداری مشترک از رودخانه «هریزود» در صریح گردید که مطالعات مربوط به ایجاد سد انحرافی در محل دولت آباد به اتمام رسیده و گزارش توجیهی فنی و اقتصادی مربوط به آن در ماه ژانویه ۱۹۷۸ به طرف ایران تسلیم خواهد شد. مطالعات فنی مربوط به ایجاد سد مخزنی در منطقه «پل خاتون» بر روی رود تترک بزوی به انجام خواهد رسید و گزارش مسیوط و اقتصادی مربوط به استفاده مشترک از منابع آب این رودخانه که توسط کارشناسان شوروی تهیه شده در ماه ژانویه به طرف ایران تسلیم خواهد شد.

کمیسیون آغاز مذاکرات میان سازمانهای شوروی و ایرانی در باره همکاری در زمینه اکتشافات زمین شناسی برای کشف اورانیوم در مناطق ایران نزدیک به مرز اتحاد شوروی رضایت بخش دانست. طرف شوروی آمادگی خود را برای همکاری در توسعه ظرفیت سیلوهایی موجود واحداث سیلوهایی جدید در ایران با ظرفیت کمل ۶۰۰ هزارتن اعلام داشت. در مورد بازرگانی خارجی کمیسیون وضع و شرایط کتونی و صورتی روابط بازرگانی میان دو کشور را مورد بررسی قرار داد و از پیشرفت و توسعه آن بر اساس رعایت منافع متقابل و حفظ توازن و توجه به هدفهای دراز مدت آن اظهار رضایت نمود. طرفین توسعه روابط در زمینه حمل و نقل کالا های صحرائی و وارداتی و ترانزیتی میان دو کشور را مورد بررسی قرار داده برای گسترش و تسهیل بیشتر این روابط به توافقاتی رسیدند. در این زمینه مسئله احداث شبکه راه آهن در منطقه شمال شرقی ایران و اتصال آن به شبکه راه آهن اتحاد شوروی و توسعه ظرفیت بندری ایران در دریای خزر با کمک وهمکاری فنی اتحاد شوروی مورد بررسی قرار گرفت.

حزب توده ایران بر آنست که همکاریهای اقتصادی و فنی اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بایران به تسریع پیشرفت صنایع و کشاورزی استحکام پایه های اقتصاد ملی و تقویت نیرو های مولد میهن‌ماساعده میکند و بهمین جهت بر طبق مواضع اصولی خود این همکاریها را سودمند میشمود و جانبدار بسط و گسترش آنهاست. ق. پیروز

اثبات رسانده است که امپریالیسم در شرایط امروز جهان نمیتواند حکومتی را که در سمت مخالف منافع توده‌های مردم گام برمیدارد برای دوران طولانی سرپا نگاه دارد. خفهای ایران با سابقه یک قرن مبارزه بر ضد استعمار و امپریالیسم هرگز سیاست خفثانه شاه که سربراه‌دنبال امپریالیسم امریکا گام برمی‌دارد گردن نخواهد گذارد و آمیزش آزادی و استقلال خلقهای عرب که اکنون از ناحیه سیاست امپریالیستی امریکا در معرض مخاطره

شیوه های مقابله رژیم دیکتاتوری

پوست و گوشت خود احساس میکنند واقفیت ندارد و این مردم «حق ناشناس» تحت رهبری شاه «ره صد ساله» را یک شبه طی میکنند. و خود از این «طی الارض» (۱) بی خبرند. باهسری دبیر کل سابق حزب رستاخیز اعلام میدارد: «تازمانی که دانشجویان نخواهند مصالح خود، خانواده و ملکشان را تشخیص بدهند» ادامه تحصیل برای آنان امکان پذیر نخواهد بود. و معیار این تشخیص هم سکنش به درگاه استبداد شاه است که حتی گامشگانی چون باهسری را هم به پیشری نمیگذرد و بحکم اشتباهی معده استبدادی یکشبه از اوج «مقام» برحیض ابهام می افکند. در میان این گروه خاک، اعلامیه نایب التولیه دانشگاه صنعتی پدین مضمون انتشار می یابد: «در صورت بروز هر گونه آشوب واغشاش در محیط دانشگاه و یار خوابگاه و همچنین انتشار و پخش بیانیه‌های تحریک آمیز یا ضد ملی و غیر مجاز... دانشگاه و حتی دانشگاه بهر مدتی که لازم تشخیص داده شود تعطیل خواهد شد». نایب التولیه با همین لحن سلاواکی اعلام مینماید: «متظفین از دستور یبیرنگ و برای همیشه از دانشگاه اخراج خواهند شد». اعلامیه‌های همانند اختلاره هائیکه ارتش هیتلر در سرزمین های اشغالی برای جلوگیری از مبارزات ضدفاشیستی پخش مینمود.

سلاح دیگر رژیم تحریک است. مقامات حا که مدعی میشوند که مخالفان استبداد دست به «تخریب» زده‌اند. پروو کاتوره‌های رژیم عمداً شیشه‌ها و پنجره‌ها را میشکنند و آنگاه نوسنده نامداری چون محمودانندازاده (به آذین) و فرزندش را با اتهام خنده آورو نفرت‌انگیزی چون «تحریک عدلهای بسکت‌شیشه‌های بانکها و مغازه‌ها» بازداشت میکنند. بقصد تحریک احساسات ضداندانشجویی دانشجویان ایرانی مقیم امریکا را که در اطراف کاخ سفید علیه دیکتاتور ایران دست به تظاهرات زده بودند «دلایلی چانه‌زن بازاری و گردن کلفت‌های خیابانی» مینماید که بملت رفتار آنها (ونه بملت رژیم امروزی ایران که بفرمایگی شهرت یافته) گویا در امریکا «تفر از ایرانیان گسترش و عمومیت پیدا کرده است».

هنگامیکه موج تحریکات رژیم علیه جنبش ضد دیکتاتوری بالا میگردد، نام لیبی و کوبا نیز برده میشود. ولی معلوم نیست خشم مردم ایران که بر اثر خیانت و شقوت های بیست و چهار ساله حکومت کودتائی محمد رضا شاه خود بخود زبانه‌میشد چه تیزی به «آش‌اندازخاسی» دارد؟ جانب‌تراینکه وبلیام سولویان سفیر جدید امریکا در ایران که گرچه مله‌است سفیر شده ولی تا حال یکبار هم نطق عمومی نکرده، درست در روزهاییکه مردم رنج دیده ایران علیه استبداد سیاه قد علم کرده‌اند، یکسباره هوس سخنرانش گل میکند و ضمن نطق در کلوب روتاری تهران بمنظور مداخله در امور کشور ما و تهدید نیروهای ملی و دموکراتیک ایران صریحاً اعلام مینماید که حکومت استبدادی موجود در ایران و حکومت امپریالیستی امریکا «متحد همدیگرند و بهیچ عنوان از یکدیگر جدا نخواهند شد». غافل از اینکه وان تیو ولونول و سرهنگل سیاه و دیگران نیز گرچه از «متحدان» امپریالیسم امریکا بودند، ولی این «اتحاد» آنها را از سرنگون شدن در زباله دان تاریخ نجات نداد. و در این میان روزنامه «اطلاعات» (البته از قول بی بی سی) اظهار «تعجب» مینماید که «چرا جنبش‌های تروریستی (۱) از حوادث خیابانی اخیر برای تیراندازی و انفجار بمب‌استفاده نکرده‌اند؟» - بزبان ساده یعنی که چرا برژیم دیکتاتوری ایران بهانه و دستاویز داده‌نشود تا تانک و توپ خود را بخیابانهای تهران بیورد و مبارزان ضد استبداد را یکباره قتل عام نماید؟! در واقع این «تعجب» نیست، بلکه تأسف «بی بی سی» جلی قرار گرفته است خیانت نخواهد کرد. توطئه امپریالیسم امریکا اسرائیل و شاه و دستیاران مرتجع عرب آلتن بر ضد خلقهای خاور نزدیک و میانه باید در هم شکسته شود. این خواست پیشرفت و ترقی تمام خلقهای این منطقه است. مهرآبادی

رژیم بدریافت وامهای زینبار ادامه میدهد

وزارت دارائی در سال ۱۳۵۰ بخشنامه‌ای وزارتخانه‌ها و سازمانهای دولتی ارسال داشت و خواست «بمنظور تمرکز کلیه اطلاعات مر وامها و اعتبارهای در یقانی از کشورهای خار رونوشت کلیه قرارداد هنی مربوط به اخذ وام های خارجی را بطور محرمانه بوزارت دارائی بفره همین محرمانه نگاهداشتن قرارداد های اخذ وام خود. دلیلی روشن بر شرایط ناساعد و جن ضد ملی آنهاست. والا دولت، برخلاف موا ۲۵ قانون اساسی که باید اخذ هر گونه وام تصویب مجلس برساند، این قرار داد ها را مجلس های فرمایشی پنهان نمیکرد. توضیح دولت هر بار اخذ وام را، بطور کلی، بدون شرایط آن مشخص باشد، یا در متن بودجه یا یا طی ماده واحده به تصویب مجلس میرساند وزارتخانه‌ها و سازمانها خود مستقیماً با انعقاد به اخذ وام میردانند. حتی در سال ۱۳۵۰ رو خبر دادند که بانک اعتبارات صنعتی از مجلس ملی اجازه گرفته است که رأساً برای اخذ وام از خارج اقدام کند. و تمام اینها بمعنی تقویت از مهمترین وظایف و حقوق مجلس به مؤسسات و دستگاههای مجریه برخلاف نص قانون اساس است و روزنامه «مردم» در همان زمان (سال) این اقدامات غیر قانونی مجلس و دولت را افشاء با اینکه مقامات دولتی میگفتند که «با در آمد نفت» ایران از نظر مالی نیازی به وام ندارد» در برنامه تجدید نظر شده، اخذ وامی ۲۰۰ میلیارد دلار برای سالهای ۵۶ - ۱۳۵۲ بیخی شده بود، ولی با در نظر گرفتن وامهای دولت طی سه سال ۵۴ - ۱۳۵۲ دریافت د مطابق بودجه‌های سالهای ۵۶ - ۵۵ باید در برابر میزان این وامها به بیش از ۷ میلیارد دلار بالغ میشد. هرگونه های کمر شکن نظامی، و برادها، های کشور در راه نجات کشور ها و اندام امپریالیستی از دشواریهای مالی و جیف و میل و در آمدهای نفتی و کتونی کوشش برای ثابت نگاه بیهی وقت رژیم را به اخذ اینگونه وامهای زین ناگزیر کرده است. م.

رژیم ضمن شیوه‌های فوق چماق را نیز فر نمیکند. در جریانهای اخیر این چماق اغلب گروهی از مأموران سلاواک و بنام «مردم» بمیدان میشود و درجالی دو هزارتن از این مأموران و مز ساواکی با بازرهبانهای رستاخیزی و بنام «دلمانده هزار نفر اصناف تهران» برای اعتراض ماخلالگران، پروژنامه «اطلاعات» میروند. در دیگر ۷۵۰ نفر از همین «مردمان» ساواکی مجوزها و پنجه بوکس و زنجیر و کابل و حتی اسلحه نهانی باماشین دولتی و زنجیر «کارگران» بیخ آقایی در نزدیکی کلوا نراستنگی حمله برده، اجتناع آمیز میهن پرستان را در روز عید قربان مورد قرار داده، سر و دست بیش از ۳۰۰ نفر و از عدلهای از افراد سرشناس جنبش ملی ایران را میشد در جای دیگر میان گروهی از همین «مردمان» ساواکی که بلضای رژیم از «گروههای مها متضرر شده‌اند» و یا «تفراتسند اند شمالی ضد ملی این قبیل بیگانه پرستان (۱) را تحمل کنند» زدو درمیگردد. در لاهجان بازعدلهای از همین «مردمان» ساواکی زیر نام «اولی دانشجویان» در دانش حمله برده عدلهای را زخمی میکنند. در این حمله «مردم» تراشی، سر و کله اشرف پهلوی نیز میشود. او نیز عدلهای از «مردمان» خود را از سر زلتن ایران» بسپج کرده علیه مردم و بیاری دیکتاتوروش میفرستد. و بالاخره بعنوان «کنگر الماده حزب رستاخیز» در یک سالن چندین هزار تهران تجسمی از همین «مردمان» بر پا و ت مأمور و مزدور سناخته علیه جنبش ضد دیکتاتوری رجز میخوانند و رسانه‌های گروهی رژیم آنرا در کشور و خارج از آن پخش میکنند. شیوه مقابله رژیم دیکتاتوری با مردم دیکتاتور ایران که نمونه‌های از آن ذکر شد از هر چیز پرورشکستی معنوی و افراد عمیق این گواهی میدهد. ع. گ. آزاد